

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social - Political

اجتماعی - سیاسی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

18 آگست 2012

چارسالگی پورتال مبارک باد!!!

امروز هژدهم آگست 2012 ، پورتال باوقار "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" چارمین سال فعالیت خود را پیروزمندانه و با سرفرازی کامل ختم کرده، وارد سال پنجم مبارزاتی شد. بدین مناسبت تبریکات قلبی و تمنیات نیک خود را به متصدیان عزیز پورتال و تمام همکاران ارجمند قلمی آن تقدیم کرده از صمیم قلب آرزو میکنم که پورتال گرامی ما ازین به بعد هم فعالیت چشمگیر داشته و فروزانتر از پیش بدرخشد.

نسبت تراکم فوق العاده مصروفیتهای شغلی زمینه میسر نشد که بدین مناسبت میمون چیزکی جدید بسرایم. ازینرو یکی از اشعار سابقم را مجدداً تقدیم میکنم، تا هم تحفه استقلال باشد و هم تحفه پورتال:

پنجه فولاد

قهرمان عصر حاضر ، این سخن یادت نره

خانه و نان و لباس مرد و زن ، یادت نره

سوی خوبان گه گهی ، چشمک زدن یادت نره

پیرهن ، تنبان ، قره قل ، با چین یادت نره

چرس و نسوار و چلم ، ای جان من یادت نره

یادِ ایامی که در کابل ، بهاری داشتیم
در بهاران ، هر طرف گشت و گذاری داشتیم
قرغه و پغمان و استالف ، قراری داشتیم
بس پلان ، دانه و ، دام و شکاری داشتیم

و عده شهر نو و ، دان چمن یادت نره

یادِ نوروز و ، برات و ، عیدِ قربان هم بخیر
رفت و آمد ها و دیدارِ عزیزان هم بخیر
میله گل غندی و ، سیرِ سخی جان هم بخیر
شرط بندی های پیران و جوانان هم بخیر

گر پل بهسود رفتی ، آمدن یادت نره

زورِ بی قالب ، به میهن ، خود نمائی میکنه
زاغِ بی دُم ، دورِ گل ، نغمه سرائی میکنه
موش ، در نزدِ **پشک** ، دیده درائی میکنه
ناخلف ، حتا به بابا بیوفائی میکنه

احترام و حرمت ، مادر وطن یادت نره

چادرِ تبعیض ، بر رویِ زنان افتاده بود
حق زن در زیرِ پای ناکسان افتاده بود
گوشه منزل ، اسیر و بی زبان افتاده بود
گرچه مادر بود ، با آه و فغان افتاده بود

اولین استادِ حرف و ، گپ زدن یادت نره

ظالمان درسِ **سیاست** ، بی کتابت داده اند
دالر و کِلدار و رُبِل بی حسابت داده اند
با پلانِ شومِ امریکا ، نقابت داده اند
عاقبت از خونِ هم میهن ، شرابت داده اند

طفلِ مظلومِ یتیم و ، بیوه زن یادت نره

ای "جنابِ **بوش**" ، همینازم که تو ، با ماستی!!
با تونی بیلیر و **شارون** ، گاهی با ملاستی
گاهی با پوتین و **کرزی** ، گاهی هم تنهاستی
گاهی چون **اُسامه و ملاعمر** ، رُسواستی

ملتِ باغیرت و ، زنجیر شکن یادت نره

انگلیسی ها ، ز راهِ دین و مذهب تاختند
آبروی خویشان را ، روسها ، مفت باختند
لعنتی های عرب ، دامی ز جهل انداختند
مثلِ خود ما را به امریکاش ، نوکر ساختند

پنجه فولادِ افغان ، ریشه کن یادت نره

کاش بودی شاه امان الله درین عصر و زمان
با وزیری ، همچو اکبرخان ، آن شیرِ ژیان
پرچمِ وحدت و استقلال ، بودی جاودان
ریشه کن می گشت استعمار ، از افغان ستان

دشمنان را مُشتِ سنگی ، بر دهن یادت نره

حیف ، قدر و حرمتِ بیچاره را نشناختیم
با ملا ها و چلی ها ، سخت بر او تاختیم
بیوطن ، آواره ، از شهر و دیارش ساختیم
ثروتِ دادِ خدا را ، مُفت و بیجا باختیم

با ندامت ، پاره تا دامن ، یخن یادت نره

یادِ ایامی که ما را جشنِ استقلال بود
بروزیرو ، بر اجیر و ، تاجر و بقال بود
هر فقیر و هر غنی ، آسوده و خوشحال بود
وحدتِ پندار و هم اقوال و هم اعمال بود

حال جنگِ کرگس و زاغ و زغن یادت نره

روز و شب وردِ زبانِ خویش وحدت کرده ایم
در عمل ، از جملهٔ هم نوع ، نفرت کرده ایم
افتخارِ خویشان ، بُغض و عداوت کرده ایم
پُشتِ ادیانِ الهی ، سخت ، تهمت کرده ایم

روزِ محشر پیشِ داور ، آمدن یادت نره

ای تفنگ سالار ، کیش و دین و آئینِ تو جنگ
روز و شب داری عبادت ، با کلنگ و با تفنگ
شیشهٔ دل پاک بنما ، از تمامِ رنگ و زنگ

اشرفِ مخلوق میباشی ، نه گفتار و پلنگ

مظهرِ وصف و صفاتِ حق شدنِ یادت نره

خامه تدبیرِ ما ، آخر به جولان آمده
واژه های وحدتِ عالم به میدان آمده
صفحه دل پاک ، بر تحریرِ پیمان آمده
صلحِ عالم در جهان ، دارو و درمان آمده

سفته های شاعران ، در انجمن یادت نره

رسم و آئینِ دورنگی از جهان بیگانه شد
کینه و بغض و عداوت ، کسپِ هر دیوانه شد
اهلِ عالم عضو ، بر یک خانه و کاشانه شد
زن به مثلِ زلف و اما ، مرد بر او شانه شد

«نعمتا» بلبل به شاخِ نسترن یادت نره